

حماسه‌ی قران حبشی

(جلد اول)

بر اساس نسخه‌ی فارسی کتابخانه‌ی برلین و
ترجمه‌ی بخش‌های افتاده از نسخه‌ی ترکی کتابخانه‌ی ملی پاریس

به روایت

ابوظاهر محمد بن حسن بن علی بن اسمعیل بن موسی طرسوسی

تصحیح، مقدمه و تعلیقات

میلاد جعفر پور



۱۳۹۵

سرشناسه	طرسوسی، ابوطاهر بن حسن، قرن ۶ ق
عنوان و نام پدیدآور	حماسه‌ی قران حبشی : بر اساس نسخه‌ی فارسی کتابخانه‌ی برلین... به روایت ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن اسمعیل بن موسی طرسوسی : تصحیح، مقدمه و تعلیقات میلاد جعفرپور.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲ ج: نمونه.
شابک	دوره: ۹-۹۸۴-۱۲۱-۶۰۰-۹۷۸ ج ۱: ۵-۹۸۲-۱۲۱-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	قیپا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	طرسوسی، ابوطاهر بن حسن، قرن ۶ ق
موضوع	طرسوسی، ابوطاهر بن حسن، قرن ۶ ق. حماسه قران حبشی -- نقد و تفسیر
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۶ ق.
موضوع	نثر فارسی -- قرن ۶ ق.
موضوع	داستان‌های حماسی فارسی
شناسه افزوده	جعفرپور، میلاد، ۱۳۶۷ - مصحح
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ح ۸ / PIR۴۹۸۴
رده‌بندی دیویی	۸۵۳/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۹۳۷۹۳

حماسه‌ی قران حبشی (جلد اول)

بر اساس نسخه‌ی فارسی کتابخانه‌ی برلین و

ترجمه‌ی بخش‌های افتاده از نسخه‌ی ترکی کتابخانه‌ی ملی پاریس

به روایت: ابوطاهر محمد بن حسن بن علی بن اسمعیل بن موسی طرسوسی

تصحیح، مقدمه و تعلیقات: میلاد جعفرپور

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیه

حق چاپ محفوظ است.

انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

آدرس اینترنتی: www.elmfarhanghi.ir info@elmifarhanghi.ir

www.ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام قراهنی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی (نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه چهار: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

سخن دبیر مجموعه

هدف اصلی «مجموعه ادب عامه» احیای میراث ادبیات مردمی و اشاعه و ترویج آثار آن اعم از قصه‌ها، متون روایی، تحلیلی و نظری به نسل جدید و آینده است تا بدانند نیاکان ما چه اندازه به فرهیختگی زندگی خود را در قالب این متون روایت می‌کرده و با آن‌ها می‌زیسته‌اند. بخش مهمی از این میراث ماندگار، قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی است که اکنون سرمایه معنوی و پشتوانه و رکن مهم فرهنگ و تمدن ما ایرانیان به شمار می‌آید. افسانه‌های عامه روایت‌های تخیلی، سرگرم‌کننده و آموزنده‌ای هستند که در قالب نظم و نثر به صورت مکتوب یا شفاهی در کنار ادب رسمی و در قالب‌ها و نام‌هایی چون افسانه، داستان، اسطوره، حکایت، متل، مثل، تمثیل، لطیفه، نقل، نقل‌آواز، حدیث، اخبار و مانند آن در میان مردم رواج دارد. خیال‌پردازی، طنزآمیزی، تفنن و سرگرمی، درس‌آموزی و انتقال احساس و پیام‌های اجتماعی و اخلاقی از ویژگی‌ها و اهداف افسانه‌های عامه است. قصه‌های کهن چون برخاسته از فرهنگ قومی است، بازتابنده باورها، اعتقادات، اندیشه‌ها، رفتار و سنن اجتماعی آنان است و از این حیث بهترین مقوله برای مطالعات اجتماعی نیز به شمار می‌رود.

آنچه باعث تقویت این آثار نفیس شده، دیرینگی و کهن‌سالی تمدن ایرانی و تنوع اقوام آن بوده است. این قصه‌ها از پس هزاران سال و از سینه

پاک و ذهن جوشندهٔ مردمان و راویان نیک‌نفس و سخنور فرهیخته به دست ما رسیده تا ما نیز به نسل پس از خود واگذاریم. چنان‌که با تحول نسل‌ها و سرعت توسعهٔ فناوری‌های نوین، نتوانیم این سنت و گنجینهٔ ناب را به آیندگان منتقل کنیم و پلی استوار میان نسل دیروز و امروز ببندیم، دیر یا زود بخش مهمی از سرمایه‌های ملی خود را از دست خواهیم داد.

فرهنگ ایرانی از این قصه‌ها و افسانه‌ها بسیار دارد؛ چه قصه‌های شفاهی ثبت‌شده یا نشده یا داستان‌های مکتوب از سالیان دور و با تحریرهای گوناگون. بخش اندکی از این تعداد چاپ‌شده و بخش اعظم آن چاپ‌نشده و اگر به‌صورت سنگی یا سربی چاپ‌شده، اکنون در دسترس نیست یا نامنقح و مغلوط است. مصححان و محققان این مجموعه کوشیده‌اند متونی پاکیزه، اصیل و ویراسته تقدیم کنند که ضمن انتقال این داستان‌ها، شأن علمی و تحقیقی نیز داشته باشد.

در پایان ضمن تقدیم کتاب به خوانندگان فرهنگ‌دوست و فرهیختهٔ ایرانی و فارسی‌زبانان امیدواریم این گنجینهٔ نفیس، زینت‌بخش کتابخانه و پرکنندهٔ اوقات فراغت آنان باشد. از مصححان و پژوهشگرانی که در تدوین مجموعه ما را یاری کردند و نیز مدیران دانش‌دوست انتشارات علمی و فرهنگی که با گشاده‌رویی انتشار تمام مجموعه را پذیرفتند، سپاسگزاریم و امیدواریم مقبول طبع دشوارپسند و لطیف جامعهٔ ادبی و مردمان فهیم و قصه‌شناس افتد.

حسن ذوالفقاری

دبیر مجموعه ادبیات عامه

تقدیم به ادب دانان فقید اقلیم آذربایگان

دکتر احمد ترجانی زاده

دکتر عباس زریاب خویی

دکتر عبدالرسول ختامپور

دکتر صادق رضا زاده شفق

دکتر منوچهر مرتضوی

دکتر بهمن سرکاراتی

دکتر حسن احمدی گیوی

دکتر محمّد امین ریاحی

دکتر بهروز ثروتیان

و آن ارجمند گرامی

دکتر رضا انزابی نژاد را

فهرست مطالب

شکر از بخت دارم و از کردگار هم.....	سیزده
آغاز سخن.....	بیست و یک
ابوطاهر طرسوسی.....	۱
روایات ابوطاهر طرسوسی.....	۳
منابع ایران باستان.....	۳
داراب‌نامه.....	۴
تاریخ اسکندری.....	۷
قهرمان‌نامه.....	۱۰
عیارنامه.....	۱۲
قران حبشی.....	۱۲
تاریخ ایران اسلامی.....	۱۳
ابومسلم‌نامه.....	۱۳
مسیب‌نامه.....	۱۶
جنگ‌نامه‌ی محمد حنفیه.....	۱۹
تواریخ‌نامه.....	۲۳

۲۳.....	جنگ‌نامه‌ی امام زین‌العابدین یا محمد حنفیه
۲۴.....	مقتل حسینی
۲۵.....	قران حبشی و اساس پژوهش
۲۶.....	خلاصه‌ی روایت قران حبشی
۲۸.....	پیشینه‌ی تحقیق قران حبشی
۲۹.....	نسخ غیر فارسی قران حبشی
۲۹.....	نسخه عربی
۳۰.....	نسخ ترکی کامل
۳۴.....	نسخ ترکی ناقص
۳۹.....	ماجرای نسخه‌ی فارسی قران حبشی
۴۱.....	مشخصات نسخه‌ی فارسی
۴۴.....	نشانه‌های دیگری از نسخ فارسی قران حبشی
۴۵.....	تفاوت‌های نسخه فارسی و ترجمان ترکی قران حبشی
۴۸.....	شیوه‌ی استفاده از نسخه‌ی ترجمان ترکی قران حبشی
۵۲.....	قران حبشی در دیگر روایت‌ها
۵۲.....	گرشاسپ‌نامه
۵۳.....	چکیده‌ی عتّاری‌های قران در گرشاسپ‌نامه‌ی هدایت
۵۷.....	سمک عتّار
۶۰.....	ابومسلم‌نامه
۶۰.....	اسکندرنامه
۶۲.....	ملک قاسم و بدیع‌الزمان (حمزه‌نامه)
۶۹.....	داراب‌نامه
۷۱.....	طرح و اثبات یک فرضیه در تاریخ زندگانی ابوطاهر طرسوسی
۷۱.....	تاریخ زندگانی طرسوسی، پرسشی بحث‌انگیز
۷۲.....	فرضیه‌ی اوّلین
۷۳.....	فرضیه‌ی این پژوهش
۷۴.....	سنجش داده‌ها

شاهنامه‌ی بزرگ	۷۴
سنجش تشابهات دو مناره	۷۸
منار گیتی‌نما	۷۸
منار جام غوریان	۸۰
منار گیتی‌نما از طومار نقالی شاهنامه تا خاطرات زندگانی ناصرالدین‌شاه	۸۶
دوگانگی آبشخورها در روایت‌های طرسوسی	۸۸
نسب غوریان	۸۸
شنسباتیه و ارادت به امام علی ^(ع)	۸۹
ابوالفتح غیاث‌الدین محمد غوری ملقب به حبشی	۹۱
دستورساخت روایت قران حبشی	۹۵
آغاز روایت	۱۳۳
کتابنامه	۸۴۷
فهرست واژگان	۸۵۷
فهرست امثال و کنایات	۸۷۱
فهرست نام جای‌ها	۸۷۳
فهرست اشخاص	۸۷۷
فهرست کشف المصراع	۸۸۵
مجموعه تصاویر	۸۹۳



شکر از بخت دارم و از کردگار هم

به دست دادن طبعی چنین از روایت شکوهمند قران حبشی میسر نبود؛ مگر به لطف کریمانه و نظر مهرورزانه‌ی استاد ارجمند و دانشور روزگارم، جناب آقای دکتر حسین اسماعیلی، استاد بخش السنّة شرقی دانشگاه استراسبورگ که تصویر بخش‌هایی از نسخه‌ی ترکی قران حبشی را در کتابخانه ملّی پاریس فراهم نمودند. خود اذعان می‌دارم که انگیزه و سبب کار بنده، طفیلی وجود ایشان و حماسه‌ی دلپذیر ابومسلم‌نامه است. دیر زیاد آن بزرگوار خداوند.

دوست گرامی و ادب‌دوستم، جناب آقای صمد قربانی شهپر؛ دورادور ترجمان بخش قابل ملاحظه‌ای از روایت ترکی قران حبشی را در پذیرفتی. از نظرات صائب شما، بسی بهره‌مندم. شادکامی و بهروزی نصیبت باد. حُسن نظر و یاری جناب آقای دکتر محمّد جعفری قنواتی، استاد محترم و دانشور مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی را ارج می‌نهم که در استفاده از منابع علمی آن مرکز، تصدیع گاه و بی‌گاه شاگرد خویش را مراعات کرده و مشوّق انجام این تحقیق بودند.

روزها گر رفت گو رَو، باک نیست
تو بمان، ای آنکه چون تو، پاک نیست

آغاز سخن

بیان و تذکار رویدادهای مهم و سرنوشت‌ساز زندگی در آینه‌ی شکوهمند زبان و خیال، یکی از فرآورده‌های اصلی ذهن بشر به شمار می‌رفته که به تدریج، اهمیت آن در میان اقوام و ملل، مایه و ضمان پیدایش یک سنت انتقالی شده است. این برون‌داد ذهنی که بعدها، بُعد ادبی آن جلوه‌ی بیشتری پیدا کرد، تا امروز با عناوین گوناگونی چون قصه، نقل، حکایت، افسانه، داستان و اسطوره معرفی شده؛ ولی اصطلاحات یاد شده در گفتمان نقد ادبی معاصر بیشتر تحت عنوان «روایت داستانی» مطالعه و ارزیابی می‌شوند.

دور نیست که روایت‌های ادبی در آغاز به محافل رسمی راه پیدا کرده و بیشتر به توصیف همراه با بزرگ‌نمایی اخبار پادشاهان گذشته و کردار پهلوانان ملی یا خیالی پرداخته باشند. پیکره‌ی بیان و ساختار محتوای روایات داستانی رفته رفته با اقبال و پسند مردم مواجه شدند و در سایه‌ی ماهیت درباری و رسمی خود، سنت و حرفه‌ای خاص پدید آمد که از روی الگوهای روایی نسبتاً پیشرفته و پیچیده‌ای نظام می‌یافت و یادگیری آن نیاز به آموزش و تمرین داشت و در آغاز، مرسوم بود که از پدر به پسر آموزش داده می‌شد و اساساً همین شیوه، مایه‌ی خلق اغلب حماسه‌های گفتاری اصیل و گاه بخش‌هایی از حماسه‌ای نوشتاری شد.

از چگونگی سابقه‌ی ورود راویان و داستان‌پردازان در دربارها و کیفیت کار و احوال‌شان اطلاع روشنی در دست نداریم، چرا که شوربختانه همچون امروز، آن روزها نیز دست، دست شاعران بود و در حضور سلاطین، سنگینی سایه‌ی شعر، مجالی برای جولان روایات داستانی باقی نمی‌گذاشت و تذکرها و جنگ‌ها تنها اشعار را درمی‌پذیرفتند. شاید همین وارونگی کار، سببی شد تا بعدها راویان به صورت غیر رسمی از دربارها به دُرون جامعه راه پیدا کنند و تا سده‌ی دهم همین وضعیّت برای شاعران چندین قرن به وقفه می‌افتد.

پیش ازین، سرودگویان و خنیاگرانی دوره‌گرد که مردمی به نسبت کم‌سواد یا بی‌سواد بودند روایت را از حافظه و یا در شکل گزاره‌هایی قالبی به بدیهه بیان می‌کردند و متناسب با پسند عموم و اقتضای زمان گاه به آن شاخ و برگ‌هایی هم می‌دادند. اینان بیشترین سهم را در گرمی بازار روایات از آن خود کرده بودند؛ اما از مقایسه‌ی مجموع روایاتی که تا امروز در دست داریم، درمی‌یابیم که ادیبان دانشمندی هم به حرفه‌ی روایت و داستان‌پردازی روی آورده و حاصل تلاش ایشان با خلّاقیت‌هایی باور نکردنی توأمان بود، چراکه منشور زبان و الگوی روایت آنان، تفاوت بسیاری با نظام ناچیز و دم دستی روایات ابتدایی یا کلیشه‌ای داشت. این راویان ادیب به نوبه‌ی خود شاید بدان جهت که پس از شاعران، ابزاری در جهت ترویج سیاست‌های فرهنگی و مذهبی به شمار می‌آمدند. به ندرت در دربار پادشاهان هم روزگار سپری کرده و روایت‌هایی را به نظم و نثر نقل می‌کردند که علاوه بر روساخت خیالی، در ژرف‌ساخت خود بیشتر آبشخور و ماهیّت تاریخی نیز داشتند و نوعی تاریخ نمادین و آرمانی قلمداد می‌شدند و گاه شاید در مقام اعتراض، به نقد وضع جامعه نیز می‌پرداختند. نگارنده بخشی از روایات این مجموعه‌ی شگفت و غنی منثور را در گفتمان نوع ادبی، به عنوان حماسه باز می‌شناسد.

جریان ادبی حماسه‌های منثور در ایران، پیش از فردوسی هم وجود داشته و به صورت گفتاری، اغلب در قالب «شهنامه یا قصه‌خوانی و بومسلم‌خوانی» روزگار می‌گذرانده، این جریان پس از خلّاقیت شگرف حکیم توس، اغلب با حفظ همان الگو و ساخت گفتاری و یا با هدف

نواآوری و سرباز زدن از تکرار سازه‌های کلیشه‌ای و فاصله گرفتن از مختصات شاهکارها، دامنه و شمول موضوعی بیشتری پیدا می‌کند و سال‌ها رونق‌بخش دربار پادشاهان محمودی و مسعودی بوده و بعدها نیز در شکل «حمزه‌خوانی و حمله‌خوانی» جلوه‌گر شده و مایه‌ی دل‌گرمی گروه مشتاق مردم ایران بوده است. این روند در قرن ششم با توجه به ضعف ملیت در ایران و تسلط نیرانیان زردپوست ساکن در مرزهای شمالی و شرقی تغییر ماهیت پیدا می‌کند.

از شکوه شگرف پارینه‌ی سمک عیار تا خیزش و برون‌داد شوق‌انگیز و دامنه‌دار امروزین بوستان خیال و امیرارسلان نامدار، بلندای تاریخ جریانی پرخروش را می‌نگرم که هنوز قلیان و شور وجود فارسی‌زبانان را به خود باز بسته است؛ اما باید دید که چرا در این میان، همه داستان‌پردازان و دفترخوانان شکرشکن ادب فارسی از بن جان یا دندان، به حاجت و التماس، سعادت دو جهان را^۱ از برای ابوطاهر طرسوسی درمی‌خواسته‌اند.

۱. «از راویان اخبار و ناقلان آثار و خوانندگان قصص و تواریخ، استاد فاضل کامل، ابوطاهر بن حسن بن علی بن موسی الطرسوسی اسعدکم الله فی الدارین چنین روایت می‌کند که...» (طرسوسی، ۱۳۸۹: ۳/۱؛ طرسوسی، بی‌تا: گ ۱۱).